بسمه تعالی

**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**14010316**

**موضوع**: زکات مال التجاره /من تجب علیه الزکاه /زکات

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات گذشته، جواز اقتراض از مال طفل و قیود آن بررسی شد. بیان شد که دو قید «اذن ولیّ» و «عدم المفسده» اعتباری ندارند. در این جلسه اقتراض مادر از مال طفل و قیودش مطرح می‌شود.

# تجارت با عینِ مال یتیم؛ شرط وقوع تجارت برای او

در بحث‌های سابق بیان شد که اگر تجارتی انجام شود که تجارت کننده شایستگی قرض برداشتن را نداشته باشد، تجارت برای یتیم واقع می‌شود. از همین جهت این بحث را مطرح کردیم که در چه مواردی شایستگی قرض برداشتن هست و در چه مواردی نیست. صغرای این قضیه باید تعیین شود. بیان شد که ولیّ به شرط ملائت می‌تواند قرض بردارد.

در روایات بیان شده، در مواردی که شخصی نمی‌تواند قرض بردارد؛ سود به یتیم تعلق می‌گیرد. این مسأله به همین شکل در عبارت‌های فقها وارد شده است. از زمان شهید اول، برای وقوع تجارت برای یتیم، قیدی اضافه شده است که تجارت باید با عینِ مالِ یتیم صورت بگیرد. اگر تجارت به صورت کلی باشد و در مقام ادا، مال یتیم پرداخته شود؛ سود برای تجارت کننده است.

اما چنین قیدی نه در روایات بیان شده و نه در کلام فقهای سابق. از همین رو صاحب حدائق، این قید را انکار کرده‌ است. از نظر ایشان به طور کلی در جایی که تجارت کننده حق قرض برداشتن نداشته باشد، سود برای یتیم است.

## عدم صحت اشتراط تجارت با عین مال یتیم

به نظر می‌رسد حق با صاحب حدائق است با این توضیح که گاهی تجارت از اول به صورت کلی بوده و ربطی به مال یتیم نداشته است. در چنین تجارتی، تنها در مقام ادا، مال یتیم پرداخت می‌شود. این تجارت محل بحث نیست. محل بحث در جایی است که تاجر با اتکا بر مال یتیم تجارت کرده است. طرفِ مقابل نیز چون دیده است مال یتیم در اختیار اوست، تجارت را پذیرفته. به عبارت دیگر، پشتوانه‌ای که طرفین بر آن تکیه کرده‌اند، مال یتیم بوده است. به گونه‌ای که اگر مال یتیم در کار نباشد، طرف مقابل حاضر به تجارت نبوده است. به بیان دیگر باید روشن شود، تجارت با مال یتیم در چه مواردی صدق می‌کند؟ هرجایی که تجارت با مال یتیم صدق بکند، از موارد این روایات خواهد بود.

مثال روشنش در جایی است که طرفین معامله، قرار داشته‌اند ـ ولو عقد را کلی بسته‌اند ـ مال یتیم را تحویل بدهند. ممکن است گفته شود همین مقدار که فروشنده قصد دارد مال یتیم را بدهد، کافی است که معامله با مال یتیم صادق باشد. حتی اگر این مورد پذیرفته نشود، مصداق روشنش در جایی است که ـ ولو عقد به نحو کلی بوده ـ تجارت هر دو طرف با اعتماد بر مال یتیم منعقد شده است.

نتیجه آنکه هرجا تجارت با مال یتیم صدق بکند ـ ولو انشاء تجارت به صورت کلی باشد ـ سود به یتیم می‌رسد. امر تعبدی خاصی است که شارع در این مورد جعل نموده. قید تجارت با عین مال یتیم، نه در روایات بیان شده و نه در کلام علمای قبل از شهید اول. همچنین بسیاری از تجارت‌ها به صورت کلی، انجام می‌گرفته و وجهی ندارد تجارت کلی از تحت این دلیل خارج شود.

# موارد جواز اقتراض از مال یتیم

بیان شد هرجا سود برای یتیم باشد، پرداخت زکاتش مستحب است. در صورتی سود برای یتیم است که تجارت کننده حق اقتراض از مال یتیم نداشته باشد یا عملاً قرض برندارد. پس از آن این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی حق اقتراض دارند؟ روشن‌ترین موردش جایی است که ولیّ ملیّ باشد و برای خودش قرض بردارد. در غیر از مورد، چه کسی حق اقتراض دارد؟

در روایاتی گفته شده که مادر می‌تواند از مال فرزندش قرض بردارد. همچنین در مورد پدر نیز گفته شده ولو ملیّ نباشد، می‌تواند از مال فرزندش قرض بردارد. مرحوم محقق کرکی در جامع المقاصد تصریح می‌کنند که اقتراض پدر، مشروط به ملائت نیست. کأن چنین استفاده می‌شود که در اقتراض مادر، شرط ملائت معتبر است.

## اقتراض مادر از مال فرزندش

بیان کردیم روایات متعددی نقل شده‌اند در مورد آنکه مادر می‌تواند مال فرزند را به عنوان قرض بردارد. در این زمینه چند سؤال مطرح می‌شود. مادر بما هو مادر می‌تواند قرض بردارد یا مادر در صورتی که وصیّ و ولیّ باشد چنین حقی دارد؟ بعضی از فقها، جواز اقتراض مادر را حمل کرده‌اند بر صورتی که وصیّ باشد. شهید اول در دروس چنین می‌نگارد:

و لا يجوز تناول الامّ من مال الولد شيئا، إلا بإذن الولي أو مقاصّة. و ليس لها الاقتراض من مال الصغير، و جوّزه علي بن بابويه و الشيخ و القاضي، و ربما حمل على الوصيّة[[1]](#footnote-1).

کلمه «الوصیة» در این عبارت، از جهت ادبی ممکن است به دو گونه باشد. یکی آنکه مصدر باشد و دیگر آنکه به معنای «المرأة الوصیة» باشد. از جهت معنایی فرقی نمی‌کنند. در بعضی از عبارات هم گفته‌اند: «ربما حُمل علی الولیّة» که به معنای ولیّ با تاء تأنیث است.

سؤال دیگر آن است که مادر تنها از بچه صغیر می‌تواند قرض بردارد یا از غیر او نیز می‌تواند اقتراض کند؟ این سؤال در مورد پدر نیز مطرح شده است.

سؤال سوم آن است که مادر در صورت احتیاج می‌تواند از مال فرزندش قرض بردارد یا جواز اقتراضش مطلق است؟

سؤال چهارم آن است که بنابر آنکه مادر در فرض احتیاج می‌تواند از مال فرزندش قرض بردارد، به عنوان نفقه برمی‌دارد؟

سؤال دیگر ان است که مادر با اجازه ولیّ می‌تواند قرض بردارد یا چنین شرطی ندارد؟

با توجه به روایات این سؤالات باید پاسخ داده شوند.

### عدمِ عمل به روایت، به دلیل مخالفت با قاعده

برخی از فقها به این روایات عمل نکرده‌اند به علت آنکه این حکم را مخالف قاعده شمرده‌اند. به نظر می‌رسد وجهی برای عمل نکردن به این روایات، وجود ندارد. مجرد خلاف قاعده بودن، باعث نمی‌شود روایتی را کنار گذاشت. به خصوص روایتی که در مورد مادر نقل شده، فتواهای موافقی از شیخ طوسی، ابن براج، ابن بابویه و فقهای دیگر در موردش وجود دارد. حتی اگر با استناد به اعراض فقها، روایات کنار گذاشته شوند؛ به نظر می‌رسد صغرویاً، اعراضی در کار نباشد.

فقهای دیگر برای فرار از مخالفت با قاعده، سعی در تأویل این روایات داشته‌اند. اما نیاز به تأویل نیست. اگر مخالفت قاعده به گونه‌ای باشد که خلاف ارتکاز عقلائی است و استنکار علائی را در پی دارد؛ ممکن است نیاز به تأویل داشته باشد. اما محذوری ندارد که شارع مقدس به مادر ـ به علت مادر بودنش ـ اجازه داده باشد از مال فرزندش قرض بردارد و استنکار عقلائی ندارد. ممکن است یکی از حقوق مادر آن باشد که بتواند از مال فرزندش قرض بردارد.

پس به نظر می‌رسد در این مسأله، محور بحث باید ظهور روایات و جمع بین آن‌ها باشد.

همین که قصد داشته‌اند روایت‌ها را تا حد امکان با قواعد، وفق بدهند؛ باعث شده توجیهاتی بیان کنند. توجیهات بعضی از فقها در مورد این روایت را مرور می‌کنیم.

### تأویل مجلسی اول: اقتراض مادر به جای نفقه

مرحوم مجلسی اول (محمد تقی مجلسی) در روضة المتقین تأویلی در مورد این روایت بیان کرده‌اند که مرحوم مجلسی نیز در ملاذ الاخیار و مرآة العقول به آن اشاره می‌کنند. ایشان جواز اقتراض را مشروط به دو قید دانسته‌اند. یکی آنکه این ادله را مربوط به ولد صغیر دانسته‌اند. [دیگر آنکه مادر، واجب النفقه فرزند باشد و نفقه‌اش را به عنوان قرض بردارد].

در روایت مربوط به این بحث چنین آمده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لِابْنِهِ مَالٌ فَيَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأَبُ قَالَ يَأْكُلُ مِنْهُ فَأَمَّا الْأُمُّ فَلَا تَأْكُلُ مِنْهُ إِلَّا قَرْضاً عَلَى نَفْسِهَا[[2]](#footnote-2).

مرحوم مجلسی اول در روضة المتقین، این روایت را چنین توضیح می‌دهد:

«أما الأم فلا تأخذ منه» لعدم الولاية إذا كان الولد صغيرا «إلا قرضا على نفسها» إذا احتاجت للنفقة إليه و لم يمكن الإذن من الولي فحينئذ تأخذه قرضا إلى أن يصل إلى الولي من الأب و الجد له أو الوصي أو الحاكم فينفذون ما اقترضته أن يكون نفقتها[[3]](#footnote-3).

ایشان مورد روایت را جایی می‌دانند که فرزند، صغیر باشد. پس از آن نیز برداشت مادر را به عنوان نفقه، مفروض دانسته‌اند. البته نفقه‌ای که امکان اجازه گرفتن از ولیّ نداشته باشد. در این صورت مادر می‌تواند از مال فرزندش قرض بردارد. پس از آنکه به ولیّ یا حاکم برسد، مقداری که برداشته است را به عنوان نفقه‌اش، تنفیذ می‌کنند. قبل از اذن ولیّ، قرض است و بعد از آن با نفقه مادر جا به جا می‌شود.

روشن است که چنین معنایی برای این روایت، خیلی خلاف ظاهر است. غرض از این تأویلات آن بوده است که حتی الامکان از قاعده فاصله نگرفته باشند. بنابراین به این نتیجه رسیده‌اند که جواز اقتراض مادر، به دلیل آن بوده که حقی دارد و کسی نیست حقش را بپردازد؛ پس الان می‌تواند قرض بردارد. به عبارت دیگر خودِ مادر نمی‌تواند آن قرض را تملیک کند و تنها به عنوان حیلوله حقی که دارد، می‌تواند مال را بردارد. ذهنیت ایشان آن بوده است که تا جایی که امکان دارد، این روایت با قواعد، تطبیق داده شود.

نکته دیگر آنکه روشن نیست نفقه اقارب به عنوان حکم وضعی باشد. مقداری که از نفقه اقارب روشن است، حکم تکلیفی به پرداخت آن است. البته اگر هم حکم وضعی باشد، حکم وضعی مستقر نیست. یعنی اگر پرداخت نکند، مشغول الذمه نمی‌شود. با این وجود ممکن است گفته شود نوعی تعلق حق است و همین تعلق حق، موجب جواز اقتراض می‌شود.

سؤال: وصیّ باید نفقه را از مال ولد بدهد؟

پاسخ: پرداخت نفقه باید حکم وضعی باشد که آن حکم وضعی، متوجه وصیّ باشد. وصیّ باید از مال ولد بردارد و بدهد ولی اگر پرداخت نکند، بدهکاری به ذمه ولد نمی‌آید.

این استدلال مبتنی بر آن است که نفقه اقارب، حکم وضعی باشد که ـ ولو در صورت عدم پرداخت ذمه ولد مشغول نمی‌شود ـ متوجه ولد شده است.

### تأویل علامه مجلسی: جواز اقتراض مادر در صورت قیّمه بودن

علامه مجلسی در ذیل همین روایت در مرآة العقول مرقوم داشته‌اند:

يدل على جواز أخذ الوالد من مال ولده بغير قرض وهو مخالف للمشهور، وأيضا جواز أخذ الأم قرضا خلاف المشهور، إلا أن يحمل على ما إذا كانت قيّمة، أو كان الأخذ بإذن الولي، والحمل على النفقة مشترك بينهما، إلا أن يحمل على أنها تأخذ قرضا للنفقة إلى أن ترى الولي فينفذه[[4]](#footnote-4).

ایشان قرض برداشتن مادر را در جایی صحیح دانسته‌اند که قیّمه باشد، ولی این قید نیز مشکل را حل نمی‌کند. در مورد قیّمه بودن نیز ملائت برای جواز اقتراض شرط است؛ در حالی که این روایت ملائت را شرط نکرده و فرضِ آن در صورت احتیاج مادر است. در مورد پدر بعضی از علما، ملائت را شرط ندانسته‌اند ولی یاد ندارم در مورد مادر چنین نظری داشته باشند.

پس از آن ایشان می‌فرمایند نمی‌توان این روایت را حمل بر نفقه نمود چون بین پدر و مادر تفصیل داده‌اند. حضرت علیه السلام فرموده‌اند پدر می‌تواند بردارد ولی مادر نمی‌تواند مگر آنکه به عنوان قرض باشد. اگر از باب نفقه بود، هر دو می‌توانستند بردارند، چون هم نفقه پدر بر فرزند ـ در صورتی که فرزند دارا و پدر فقیر باشد ـ واجب است و هم نفقه مادر.

در پایان، حمل بر نفقه را در صورتی پذیرفته‌اند که مادر قرض برمی‌دارد تا بعداً از ولیّ اجازه بگیرد. این همان حملِ پدرِ علامه مجلسی است. این هم خلاف قاعده است ولی مخالفتش با قاعده کمتر است.

### تأویل شیخ حسین آل عصفور: مراد مادری است که نفقه‌اش بر عهده فرزند نیست

در مقابل بعضی چون دیده‌اند این روایت را نمی‌توان بر نفقه حمل کرد، معنای دیگری بیان کرده‌اند که مربوط به نفقه نباشد. این روایت قابل حمل بر نفقه نیست چون فرقی بین مادر و پدر در نفقه نیست. از جمله شیخ حسین آل عصفور بحرانی در ذیل این روایت چنین می‌نویسد:

كأنّ الأم هنا محمولة على المتزوّجة فتجب النفقة عليه لا على ولدها[[5]](#footnote-5).

مادر در این روایت را حمل بر مادری کرده‌اند که ازدواج کرده است. بنابراین نفقه بر فرزند واجب نیست و مادر نمی‌تواند بردارد و در این صورت تفصیل بین پدر و مادر را توجیه کرده‌اند. ایشان در کتاب دیگرشان نیز همین توجیه را آورده‌اند:

الظاهر أن حكم الأم في هذا الخبر و نحوه محمول على وجود زوج لها فتجب نفقتها عليه لا على ولدها[[6]](#footnote-6).

ایشان در صدد است روایت را به گونه‌ای معنا کند که طبق قاعده باشد. اگر نفقه باشد، می‌تواند حقش را بردارد. نفقه را حکم وضعی دانسته‌اند که اگر ولیّ وجود دارد، نفقه را می‌دهد. اگر ولیّ در دسترس نیست، حکم وضعی است و مادر می‌تواند بردارد، همچنانکه پدر هم می‌تواند نفقه را بردارد.

# جمع بندی قیود اقتراض مادر

در بعضی روایات گفته‌اند در صورت احتیاج، مادر می‌تواند قرض بردارد. بعضِ دیگر از روایات، قید احتیاج ندارند. این دو دسته باید با هم جمع شوند.

در بعضی از روایات در خصوص صورت احتیاج، گفته‌اند مادر می‌تواند قرض بردارد. البته شرطیت احتیاج از آن استفاده نمی‌شود، همچنانکه مرحوم مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان به این مطلب اشاره کرده‌اند. بنابراین ممکن است با توجه به اطلاق روایات دیگر، گفته شود سؤالِ آن روایت در صورت احتیاج بوده؛ ولی جواز اقتراضِ مادر مطلق است.

در هیچ کدام از روایات، قیدِ وصیّ و نفقه و امثال آن نیامده است. همه این قیود خلاف ظاهر روایات هستند و وجهی برای تقیید به این موارد نیست. تنها قیدی که می‌توان از آن بحث نمود آن است که مادر مطلقاً می‌تواند قرض بردارد یا برداشت او مطلق نیست [و مشروط به احتیاج است]. بحث دیگر آن است که برداشت مادر اختصاص به صغیر بودن بچه دارد یا شامل بچه کبیر نیز می‌شود. این دو جهت باید در روایات بررسی شوند.

1. .  [الدروس الشرعية في فقه الإمامية، شهید اول، ج ۳، ص ۱۶۹](https://lib.eshia.ir/10020/3/169). [↑](#footnote-ref-1)
2. . [الكافي- ط الاسلامية، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۱۳۵](https://lib.eshia.ir/11005/5/135). [من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۷۶](https://lib.eshia.ir/11021/3/176). [استبصار، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۴۹](https://lib.eshia.ir/11002/3/49). [جامع أحاديث الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۰۷](https://lib.eshia.ir/10565/17/407). [↑](#footnote-ref-2)
3. . [روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)، محمد تقی مجلسی، ج ۶، ص ۵۰۳](https://lib.eshia.ir/71453/6/503). [↑](#footnote-ref-3)
4. . [مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۰۴](https://lib.eshia.ir/71429/19/104). [↑](#footnote-ref-4)
5. . الأنوار اللوامع في شرح مفاتيح الشرائع (للفيض)، شیخ حسین آل عصفور، ج‌10، قسم‌2، ص 408‌. [↑](#footnote-ref-5)
6. . [سداد العباد و رشاد العباد، شیخ حسین آل عصفور، ص ۴۳۶](https://lib.eshia.ir/86784/1/436). [↑](#footnote-ref-6)